

رشته تجربی همه آمال آموزش و پرورش است!

گفت و گو با ماهرخ مؤذن
دبیر پیشکسوت علوم اجتماعی استان گیلان

محمود اردو خانی

اشاره

و درجه دو شدن درس علوم اجتماعی، کم شدن ساعات تدریس آن و مهم تر از همه، بی توجهی به نقدها و نظرات معلمان و پیشکسوتان این رشته و نزول اعتبار و منزلت معلمان و دبیران علوم اجتماعی حاصل چنین نگرش و طرز تلقی است. حکایت درس علوم اجتماعی و معلمان و دبیران آن حکایت پرآب چشمی است. روایت ماهرخ مؤذن، یکی از دبیران پیشکسوت علوم اجتماعی استان گیلان، از آنچه بر علوم اجتماعی و معلمان آن طی ۳۲ سال اخیر رفته، خواندنی است.

دبیران علوم اجتماعی عمری را با عشق به گسترش دانش اجتماعی و تربیت شهروندانی مسئول و متعهد سپری می کنند. اما به نظر می رسد. توسعه دانش اجتماعی دغدغه اول نظام آموزشی نیست. همه آمال و اهداف آموزش و پرورش رشته های علوم تجربی و ریاضی یا فنی و حرفه ای است. حاشیه ای

چگونه با علوم اجتماعی گره خوردید و از کجا و چگونه به این درس علاقه مند شدید؟

در رشته علوم تجربی تحصیل می کردم. چون می توانستم از رشته علوم تجربی در گروه علوم انسانی هم شرکت کنیم، در کنکور رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران شرکت کردم و



قبول شدم. بعد از ورود به دانشگاه افتخار دانشجویی استادان بزرگی چون دکتر صدیقی، توسلی، هلاکویی، خسروی، کتبی و ادیبی را داشتم. این بزرگان در علاقه‌مندی من به علوم اجتماعی تأثیرگذار

از سال ۱۳۸۰ به بعد ارج و قرب معلم علوم اجتماعی کم شد، چون از ساعت تدریس و اهمیت این درس کاسته شد. از طرف دیگر، والدین و دانش‌آموزان هم گرایش بیشتری به علوم تجربی و ریاضی داشتند. آمال و اهداف آموزش و پرورش هم گرایش به علوم تجربی بود. تا جایی که مدیر مدرسه می‌گفت بچه‌ها می‌توانند کتاب‌های علوم اجتماعی را غیر حضوری بگذرانند

بودند پس از فارغ‌التحصیلی‌ام از دانشگاه علوم اجتماعی که مصادف شده بود با سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی و تجاوز رژیم بعث به ایران اسلامی، به استخدام آموزش و پرورش در آمدم و تدریس درس‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی را آغاز کردم، اما آنچه در دانشگاه آموخته بودم، با مطالب کتاب‌های درسی کاملاً متفاوت بود. در واقع آموخته‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی من با آنچه در مدرسه به‌عنوان کتاب علوم اجتماعی تألیف شده بود، زمین تا آسمان فرق داشت.

تدریس و آموزش علوم اجتماعی را از چه سالی و با چه کتابی آغاز کردید؟ و سرفصل‌های مباحث مهم چه بودند؟

من در سال ۱۳۶۱ وارد آموزش و پرورش شدم و سه دوره تغییرات نظام آموزشی را تجربه کرده‌ام. ابتدا نظام سالی

واحدی، بعد نظام ترمی و اخیراً نظام ۳-۳-۶. قبل از سال ۱۳۷۰ کتاب‌های درس علوم اجتماعی بیشتر دینی بودند تا علوم اجتماعی، و دبیران و دانش‌آموزان ارتباط خوبی با کتاب‌های علوم اجتماعی برقرار نمی‌کردند.

بچه‌ها درس‌هایی را که در کلاس درس دینی آموخته بودند، مجدداً باید در کلاس‌های علوم اجتماعی تحمل می‌کردند. به همین دلیل به مباحث علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی توجه نمی‌کردند. بیشتر مباحث احکام، احادیث و حفظ کردن آن‌ها بود. از سرفصل‌های کتاب‌های سال دوم، سوم و چهارم این دوره آنچه به یاد دارم، حفظ آیات قرآن، احادیث و روایت‌های دینی، سنت و اجماع بود، نه علوم اجتماعی. کتابی بود که طرح روی جلد آن تصویر یک درخت داشت و بین همکاران به کتاب درخت معروف شده بود.

از سال ۱۳۷۰ نگاه و دیدگاه کتاب‌ها کاملاً تغییر کرد. در این کتاب‌ها به مباحث علوم اجتماعی و دانش اجتماعی به‌صورت علمی توجه شده بود. دبیران ارتباط خوبی با کتاب‌ها داشتند و بالطبع دانش‌آموزان نیز بهتر مباحث را یاد می‌گرفتند.

سرفصل‌های کتاب علوم اجتماعی سال اول متوسطه عبارت بودند از: شکل‌گیری زندگی اجتماعی، شناخت محیط اجتماعی، شکل‌گیری گروه، هنجارها و ارزش‌ها و آسیب‌های اجتماعی گروه، نظام اجتماعی، نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و عدم مشروعیت آن.

دیگر مباحث کتاب عبارت بودند از: انواع حکومت‌ها اعم از پادشاهی، سلطنت مطلقه، سلطنت مشروطه و بعد نظام جمهوری اسلامی ایران. بحث قدرت سیاسی و اینکه تمرکز قدرت فساد می‌آورد، از ریمون آرون مطرح شده بود. سپس ارکان و تشکیلات سازمان ملل و نقد آن مطرح شده بود و همچنین نقد نظام‌های سیاسی در غرب آمده بود.

این کتاب بعضی واژه‌های سنگین هم داشت و در قسمت‌هایی نثر آن ساده نبود، اما در مجموع کتاب قابل قبولی بود. خیلی از مفاهیم جامعه‌شناسی را بدون آنکه از یک مکتب، یا تئوری و نظریه خاص صحبت کند به دانش‌آموزان یاد می‌داد.

مهم‌ترین سرفصل کتاب جامعه‌شناسی سال دوم نوابری‌های اجتماعی بود و اینکه افراد در چه شرایطی بهره‌مندی از مزایای اجتماعی را ناعادلانه محسوب می‌کنند. در کتاب سال سوم، یعنی جامعه‌شناسی ۲، در فصل‌های هویت و مزایای اجتماعی به هویت ملی و ایرانی و نیز بحث تبعیض و تراکم قدرت و ثروت پرداخته شده بود.

و در سال آخر، یعنی پیش‌دانشگاهی، جامعه‌شناسی نظام جهانی با سرفصل‌های نظام جهانی از گذشته تا کنون، تکوین نظام اجتماعی، گسترش جغرافیایی نظام جهانی نهادمندی نظام جهانی، شدن اقتصاد، دهکده جهانی، نابرابری در نظام جهانی، و نقد نظام جهانی و جایگاه ایران در نظام جهانی مطرح شده بود.

دانش‌آموزان چگونه با این مباحث ارتباط پیدا می‌کردند؟ چه قدر مطالب برایشان جالب و جذاب و ملموس و کاربردی بود؟

به‌طور کلی، زمانی که من با یک ابلاغ بدون گذراندن دوره‌های آموزشی تدریس کتاب‌های سال اول تا چهارم رشته ادبیات و علوم انسانی را شروع کردم، همان‌طور که گفتم، مطالب کتاب‌ها مطالبی نبودند که من در دانشگاه آموخته بودم. غیر از کتابی که آقای دکتر رجبزاده تألیف کرده بود و مسائل و سرفصل‌های آن را عرض کردم. سایر کتاب‌های آن دوره در حوزه علوم اجتماعی نبودند. معلمان، دبیران و دانش‌آموزان هم بهره خوبی از بخش‌های آن کتاب‌ها نمی‌بردند و خیلی برای بچه‌ها ملموس و کاربردی نبودند.

عروش تدریستان چگونه بود و چگونه بحث را مطرح می‌کردید؟ آیا فقط مطالب کتاب را تدریس می‌کردید یا خارج از کتاب هم مطالبی را عنوان می‌کردید؟

اصل قضیه اینجا بود که بدون دوره آموزشی که عرض کردم، در زمان جنگ شیوه ما بیشتر سخنرانی بود. همان کتاب‌های دینی را حفظ می‌کردیم و در کلاس توضیح می‌دادیم. مباحث هم بیشتر از کتاب بود. رسالت دبیران علوم اجتماعی دفاع از انقلاب بود.

البته قبل از سال ۱۳۷۰ دوره‌هایی داشتیم که شامل کلاس قرآن و احکام و مطالب کتاب‌های شهید مطهری و علامه محمدتقی جعفری بود و به‌عنوان دوره ضمن خدمت می‌گذرانیدیم. پرسش و پاسخ بسیار کم بود. معلم متکلم وحده، دانش‌آموزان بیشتر مستمع بودند و مدیر مدرسه دیپلمه بود.

محتوای آموزشی خیلی تعیین‌کننده است. محتوا باید ظرفیت لازم را داشته باشد و به معلم فرصت بدهد تا وارد یک فضای خلاقانه بشود. اگر محتوا با داشته‌های معلم هماهنگ باشد، می‌توانیم بگوییم ضریب خلاقیت معلم را بالا می‌برد و رضایت درونی ایجاد می‌کند. چون مفاهیمی را می‌گوید که با داشته‌های او هماهنگ است.

در نتیجه خلاقیت را هم بروز می‌دهد. لذا محتوای آموزشی مهم است. من خودم دانش‌آموز همان دوران بودم. معلم به خاطر محتوا جز سخنرانی چاره‌ای دیگر نداشت. البته از حدود سال ۱۳۷۰ به این طرف فضای خیلی خوب و بهتر شد.

ما دوره‌های ضمن خدمت الگوهای روش‌های درس تیمی، طرح مسئله، پرسش و پاسخ، روش‌های تدریس و طرح درس، بارش مغزی و ایفای نقش را آموزش دیدیم. این دوره‌ها از نظر کمی و کیفی خوب بودند و تبادل و تعامل بین معلم و دانش‌آموز به خوبی انجام می‌گرفت.



تا آنجا که به‌خاطر دارید، مباحث کتاب‌ها هر چند سال یک‌بار تغییر می‌کردند. آیا از دبیران در مورد این تغییرات نظر خواسته می‌شد؟

بنده از سال ۱۳۶۴ سرگروه منطقه و از سال ۱۳۷۴ سرگروه استان بودم و خیلی فعالیت داشتیم. بین گروه‌های آموزشی منطقه و استان رابط بودم و نظرات همکاران را به استان انتقال می‌دادم. متأسفانه تا دهه ۱۳۷۰، حتی گاه دهه ۱۳۸۰ نظرخواهی هرگز صورت نگرفت. حتی کتاب‌های

دوره آقای رجبزاده که ما دبیران از آن راضی بودیم، تقریباً بدون نظرخواهی از دبیران تألیف و تدوین شده بودند. بعد از آن و البته تا قبل از سال ۱۳۹۰، کتاب‌ها نوشته می‌شدند و در مدرسه و کلاس درس توسط معلمان مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفتند گاهی در کتاب‌ها می‌نوشتند که یک‌سال به‌صورت آزمایشی اجرا می‌شود و بعداً ما آن کتاب را نقد می‌کردیم و نظراتمان را مکتوب به استان و سپس به دفتر تألیف ارسال می‌کردیم که در سال بعد تغییراتی داده می‌شد. ولی اینکه از ابتدا بگویند، شما

به عنوان دبیر در سرفصل‌ها و موضوعات نیازسنجی کنید که دانش‌آموز در منطقه شما چه ویژگی‌هایی و چه نیازهایی دارد، به این شکل نبود. در سال ۱۳۹۰ جامعه‌شناسی ۲ سال سوم دبیرستان کاملاً تغییر و بدون اطلاع دبیران و بدون برگزاری دوره آموزشی در کلاس درس متوجه شدیم که کتاب تغییر کرده است. البته من با تجربه‌ای که داشتیم، به سرعت دانش‌آموزان را به سه گروه تقسیم کردم و با روش تیمی و همیاری، درس اول کتاب جدیدالتألیف را به پایان رساندم و این خاطره‌ای شد.

تغییر و تحول کتاب‌ها طی سال‌های متفاوت، به ویژه در مقایسه با الان را چگونه می‌بینید؟

تا قبل از سال ۱۳۷۰ کتاب‌ها بیشتر دینی بودند تا علوم اجتماعی.

فکر می‌کنم آن موقع پایبندی دانش‌آموزان به موخته‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به مفاهیم و مباحث خیلی عمیق‌تر نبود. البته بحث مطالعه فرهنگی الان هم بحث روز است و تغییر کتاب‌ها هم در همین راستا بوده است. احتمالاً در آموزش و پرورش آن



موقع زمینه‌هایی برای مطالعات فرهنگی وجود داشته است. ولی جامعه علمی و دانشگاهی این مباحث را بر نمی‌تافتند. یعنی به تخصصی بودن حوزه خیلی پایبند بودند که در حال حاضر هم این چالش را داریم.

روش ما در دانشگاه این بود که کلاس جامعه‌شناسی به جامعه‌شناسی تعلق دارد و باید جامعه‌شناسی را بیان کند. به همین دلیل تألیف کتاب‌ها در دوره آقای رجب‌زاده از نظر کیفی خیلی مورد قبول همکاران قرار گرفت. من به عنوان نماینده دبیران آن دوره در مقایسه باید بگویم در دوره قبل از سال ۱۳۷۰ رضایتی وجود نداشت. هر چند کتاب‌های دکتر رجب‌زاده هم ایده‌آل نبودند، ولی تا حد زیادی به علوم اجتماعی می‌پرداختند و حاوی بحث‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی بودند. تا اینکه رسیدیم به سال ۱۳۹۰. بنده و دبیران منطقه ما سرکلاس متوجه شدیم که کتاب عوض شده است.

چون مباحث تغییر کرده بودند، تدریس مشکل بود یا اینکه چون جامعه‌شناسی تر شده بود؟

در این تغییرات کتاب جامعه‌شناسی تر نشده بود، اما مفاهیم کاملاً نسبت به دوره قبل تغییر کرده بودند. جهت‌گیری کتاب‌ها کاملاً ایدئولوژیک شده بود، کتاب جامعه‌شناسی ۱ کاملاً این‌طور بود و همین‌طور کتاب پیش‌دانشگاهی. در این دوره اعتراض دبیران به انتزاعی بودن و ایدئولوژیک بودن کتاب‌ها بیشتر شد.

ما ملاک‌هایی برای تدوین کتاب‌ها داریم. باید متناسب با سن دانش‌آموز، علاقه و نیازهای او باشد و در او انگیزه ایجاد کند. جامعه‌شناسی ۱ این کار را نمی‌کند. جامعه‌شناسی ۲ سال سوم نسبت به سال دوم حجم کمتری دارد. اما کتاب سال دوم، هم حجم بالایی دارد و هم مفاهیم

آن انتزاعی است. متأسفانه ظاهراً قرار است همان کتاب با اندکی تغییرات در پایه دهم نظام فعلی جدید تدریس شود؛ با وجود اینکه دبیران اعتراضات خود را نوشته‌اند و گفته‌اند که این کتاب برای بچه‌ها قابل فهم نیست.

۶ ساعات تدریس درس علوم اجتماعی در هفته چقدر بود و از این نظر چقدر با مباحث و سرفصل‌های کتاب هم‌خوانی داشت؟

در دوران خدمتم برای تدریس درس مطالعات اجتماعی سه ساعت در نظر گرفته شده بود. همکاران در جلسات و نشست‌ها خواستار این بودند که ساعات تدریس این درس به چهار ساعت افزایش یابد. اما متأسفانه در نظام ترمی واحدی درست بر عکس ساعات تدریس علوم اجتماعی از سه ساعت به دو ساعت کاهش پیدا کرد، با همان مطالب.

۶ نشریات یا کتاب‌های کمک آموزشی در زمینه درس علوم اجتماعی در زمان شما چقدر وجود داشت و معلمان تا چه اندازه از آن‌ها استفاده می‌کردند؟

می‌توان گفت اصلاً نبود. فقط جزوه‌ای به نام رزمندگان بود و نشریه‌ای تقریباً وجود نداشت و یا تعداد نشریات بسیار اندک بود. دبیران در ارتباط با یکدیگر از طریق دوره‌ها، جلسات و نشست‌ها در گروه‌های آموزشی مشکلات خود را بر طرف می‌کردند. از دهه ۱۳۷۰ به بعد، انواع نشریات موجود در بازار از سوی دبیران در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت و خود آموزش و پرورش هم دست به نشر مجموعه‌های کمک آموزشی زد. وقتی کتاب‌ها و نشریات کمک آموزشی وارد شدند، بچه‌ها دیگر کتاب‌های درسی را فقط شب امتحان مطالعه می‌کردند.

۶ آیا دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان و دبیران علوم اجتماعی برگزار می‌شد؟ اگر آری، چگونه؟

همان‌طور که عرض کردم، از دهه ۱۳۶۰ به بعد کلاس‌های قرآن و جهان‌بینی‌های شهید مطهری و کتاب‌های احکام را در دوره ضمن خدمت داشتیم. از سال ۱۳۷۰ به بعد دوره‌های ضمن خدمت تخصصی شدند. جامعه‌شناسی و موضوع کتاب‌هایمان را آموزش می‌دیدیم. مدرسان به تهران می‌رفتند و این دوره‌ها



در دوران خدمت برای تدریس درس مطالعات اجتماعی سه ساعت در نظر گرفته شده بود. همکاران در جلسات و نشست‌ها خواستار این بودند که ساعات تدریس این درس به چهار ساعت افزایش یابد اما متأسفانه در نظام ترمی واحدی درست بر عکس ساعات تدریس علوم اجتماعی از سه ساعت به دو ساعت کاهش پیدا کرد، با همان مطالب

را می‌دیدند و بعد از بازگشت همین دوره‌ها را در استان برگزار می‌کردند که بنده هم افتخار مدرسی این دوره‌ها را داشتم. در رابطه با گروه‌های آموزشی هم بعد از سال ۱۳۷۰ این دوره‌ها شکل گرفتند. در واقع شکوفایی‌های ما در علوم اجتماعی بیشتر بعد از سال ۱۳۷۰ بود. محتوای دوره‌ها علوم اجتماعی‌تر شد و ما خیلی امیدوار و علاقمند شدیم. خدا را شکر می‌کردیم که گروه‌های آموزشی تشکیل شده‌اند و دبیرخانه علوم اجتماعی در کنار این‌ها انجمن علمی - آموزشی معلمان علوم اجتماعی در استان گیلان پدید آمدند. بنده هم یکی از مؤسسان آن انجمن بودم. در مجموع، کارها و برنامه‌ها بیشتر به سمت علوم اجتماعی پیش رفتند.

آن زمان معلمان و دبیران علوم اجتماعی نزد مسئولین مدرسه و منطقه و نیز والدین و دانش‌آموزان چقدر ارج و قرب یا اهمیت و اعتبار داشتند؟

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تا ۱۳۸۰، بنده بین معلمان علوم اجتماعی و ریاضی و فیزیک تفاوتی احساس نمی‌کردم. اما از سال ۱۳۸۰ به بعد ارج و قرب معلم علوم

اجتماعی کم شد، چون از ساعت تدریس و اهمیت این درس کاسته شد. و کلاس‌های آن تقریباً مانند کلاس تربیت‌بدنی بود. از طرف دیگر، والدین و دانش‌آموزان هم گرایش بیشتری به علوم تجربی و ریاضی داشتند. آمال و اهداف آموزش و پرورش هم گرایش به علوم تجربی بود. این تفاوت‌ها را بعد از آن دوره احساس می‌کردیم، تا جایی که مدیر مدرسه می‌گفت بچه‌ها می‌توانند کتاب‌های علوم اجتماعی را غیرحضوری بگذرانند. چنین شرایطی روی دانش‌آموز و والدین اثر می‌گذاشت و ارج و قرب علوم اجتماعی و دبیران این رشته را تعیین می‌کرد.

چه خاطره به یاد ماندنی از تدریس علوم اجتماعی دارید؟

خاطرات خوب زیادی دارم. یکی از آن‌ها مربوط به زمانی است که بچه‌های سال اول دبیرستان را برای بازدید میدانی به موزه، بانک و خانه سالمندان می‌بردم. برای هر بازدید از آن‌ها می‌خواستیم، گزارشی را در چند سطر تهیه و در کلاس ارائه کنند. این بازدیدها کاملاً در راستای درس علوم اجتماعی و خروجی کار بچه‌ها هم اجتماعی بود. در رابطه با نظام خانواده و گسستگی بین دو نسل والدین و نوجوانان، وقتی بچه‌ها را به خانه سالمندان می‌بردم، بسیار مشهود بود که روی آن‌ها تأثیر داشته است. گزارش‌ها نیز نشان می‌دادند که بعد از این بازدیدها، اهمیت جایگاه پدر و مادر برای دانش‌آموزان بیشتر شده است و به این باور می‌رسیدند که باید به پدر و مادرشان توجه بیشتری داشته باشند. البته این بازدیدها هم مربوط به دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بود. بعد از آن دوره جالب بود که مدیران در برابر درخواست ما و دانش‌آموزان برای بازدید، بهانه‌های واهی و غیر منطقی می‌آوردند و مانع می‌شدند. در حالی که فعالیت‌های کلاسی و خارج از کلاسی پنج نمره داشت، ما اجازه بازدید نداشتیم.

نظرتان درباره برنامه هدایت تحصیلی و کم‌میلی به علوم انسانی و علوم اجتماعی بین دانش‌آموزان و والدین آن‌ها چیست؟

آنچه که واقعاً فکر می‌کنم و تجربه‌ام می‌گوید، بی‌محتوا شدن است. در مدت خدمتم در تمام دوره‌های تحصیلی ما یک کتاب روان‌شناسی داشتیم. وقتی نظرسنجی می‌کردم تا ببینم که بچه‌های علوم انسانی بیشتر به چه رشته‌ای علاقه‌مند هستند، اکثر آن‌ها به روان‌شناسی علاقه داشتند. جالب اینکه با توجه به ارتباط خوبی که با دانش‌آموزان داشتم، کمتر اتفاق می‌افتاد کسی بگوید می‌خواهم علوم اجتماعی بخوانم. به نظر من کتاب‌های علوم اجتماعی خوب نگارش نشده‌اند و انگیزه لازم را به دانش‌آموز نمی‌دهند.

اگر بخواهید حاصل عمرتان در تدریس این درس را خلاصه کنید و به دبیران امروزی درس علوم اجتماعی بگویید، چه توصیه‌هایی می‌کنید؟

در طول ۳۲ سال تدریس، تغییر سه نظام آموزشی را تجربه کرده‌ام. تغییرات کتب درسی در طول این مدت را، چه در دوره قبل از سال ۱۳۷۰ و چه در دوره اخیر، نمی‌پسندم. با توجه به ارتباطی که با دبیران داشته‌ام و دارم، می‌توانم بگویم آن‌ها هم نظرات مرا تأیید می‌کنند. با همه کم و کاستی‌ها و کم‌لطفی‌ها که به درس علوم اجتماعی و دبیران آن شده است، به دبیران و فرهنگیان عزیز عرض می‌کنم، جای این مشکلات کلاس درس نیست. وقتی وارد کلاس می‌شوید، همه مشکلات را پشت در کلاس بگذارید. با تمام وجدان کاری، و با عشق به توسعه دانش اجتماعی و شغل معلمی، مصمم و با انگیزه، با ظاهری بسیار آراسته، مرتب و خوش‌لباس وارد کلاس درس بشوید و با روحیه‌ای شاد و با نشاط، به نوجوانان و جوانان امید بدهید. دانش اجتماعی باید امید به زندگی و آینده را در نسل جوان، به‌عنوان شهروندان آینده، تقویت کند.